

مطربی سمرقندی

سید امیر حسن عابدی*

روابط فرهنگی بین هند و آسیای مرکزی از قدیم دایر بوده است. در زمان پادشاهان هند، بالخصوص پادشاهان گورکانی، شعرا و دانشمندان و نویسندگان گوناگون از سمرقند و بخارا و اطراف آن به هند آمده، در فرهنگ و ادبیات فارسی هند تأثیر زیاد گذاشته‌اند. متأسفانه تذکره‌نویسان و مورخان هند، بسیاری از آنها را ذکر ننموده‌اند. یکی از آنها مطربی سمرقندی است که حتی در «تذکره جهانگیری» و «اقبال‌نامه جهانگیری» اسم و ذکر وی نیامده است.

سلطان محمدالاصم سمرقندی، متخلص به «مطربی»، یکی از شعرا و نویسندگان بزرگ سمرقند در آخر عهد جهانگیر^۱ پادشاه به هند آمده، به خدمت وی رسیده است. مطربی در سال ۹۶۶ هجری/۱۵۵۸-۵۹ میلادی در سمرقند متولد گردیده و پس از زندگانی هفتاد و سه ساله درگذشته است. وی شاگرد مقیمی سمرقندی، قاضی محمد امین سمرقندی، اشرفی میر انوری، غریبی هروی، کمال‌الدین حافظ عبدالرحیم مذهب، خواجه هاشمی مزاری، ابومحمد ده‌بیدی، متخلص به امینی، زرهی ترکستانی، ملا رستم نقاش، یوملی میانکالی، مشهور به ملا بابا، بذری بدخشی، خواجه حسن نثاری بخارایی، استاد ملا فاضلی سمرقندی، صبوری سمرقندی، قریشی میانکالی، مشهور به خواجه دوست نظر، ثابتی میانکالی، خزانی شهر سبزی، ذهنی سمرقندی و لازمی کیشی بود.

* استاد ممتاز بخش فارسی دانشگاه دهلی.
۱. ۱۰۳۷-۱۰۱۴ هجری/۱۶۲۷-۱۶۰۵ میلادی.

مطربی در سال ۱۰۱۳ هجری/۱۶۰۴ میلادی تذکرة الشعرا را تألیف و به ابوالغازی ولی محمد بهادر خان اشترخانی^۱ تقدیم نموده است.

تذکرة نامبرده با مقدمه و تصحیح اصغر جانفزا و مقدمه و تحشیه و تعلیقات علی رفیعی علاوردشتی، در سال ۱۹۹۹ میلادی، از طرف آیینة میراث، تهران، انتشار یافته است.

از مقدمه و پیشگفتار این نسخه چاپی معلوم می‌شود که چون مطربی خواست به هند بیاید، در نظر داشت برای جهانگیر پادشاه یک تحفه ادبی بیارد؛ بر همین اساس وی «نسخه زیبای جهانگیر» را تألیف نمود. هرمان اته، استوری، دکتر ذبیح‌الله صفا، دکتر سید علی رضا نقوی، عبدالرفیع حقیقت، احمد گلچین معانی و احمد منزوی، اشتباهاً این تألیف را «تاریخ جهانگیری» نوشته‌اند. پرفسور عبدالغنی میرزایف این اثر را تصحیح نموده با مقدمه خود انتشار داده است.^۲

مطربی در ماه صفر سال ۱۰۳۶ هجری/۱۶۲۶ میلادی وارد لاهور گردید و به روز چهارشنبه ۱۹ ربیع‌الاول سال ۱۰۳۶ هجری/۲۹ نوامبر ۱۶۲۶ میلادی پیش جهانگیر رفت و تألیف خود را با رباعی ذیل به وی تقدیم کرد:

بر نام جهانگیر شه چرخ چشم این نسخه دلگشا چو آمد به قلم
تاریخ تمامش خرد خرده‌شناس زد «نسخه زیبای جهانگیر» رقم
در ملاقات اول، جهانگیر می‌پرسد که «چند روز است که داخل دارالسلطنت لاهور
شده‌اند». گفت: «یک ماه».

در ملاقات دوم، «آصف خان و خواجه ابوالحسن دیوان و ارادت خان و خواص
خان و بهادر خان ماوراءالنهری و خوانین دیگر به بندگی حاضر بودند».^۳

۱. ۱۶۱۱-۱۶۰۵ میلادی.

۲. مؤسسه تحقیقات علوم آسیایی میانه و غربی، دانشگاه کراچی، ۱۹۷۶ م.

۳. ص ۵۶.

جهانگیر دربارهٔ دخمهٔ صاحبقرانی می‌پرسد و نیز می‌گوید که «ما آن نسخهٔ دلپذیر را به مکتوب خان سپردیم... اما در خاطر پر انوار ما چنان آمد که آن نسخهٔ جهانگیر از تدوینات ما نیز شرف‌پذیر گردد... چند ورق از اسامی شعری که در ایام پادشاهی والابزرگوار ما... بودند، اما در زمان شاهزادگی خود جمع کرده بودیم... لایق چنان دیدیم که داخل تصنیف شما باشد»^۱.

مطربی ۲۴ بار با جهانگیر ملاقات کرده و دربارهٔ هر ملاقات بیتی سروده است. بعضی از آنها در اینجا نقل می‌شود و معلوم می‌شود که در چه وقت این ملاقات برپا گردیده است:

شبی روشن‌تر از صبح جوانی در او آماده عیش و کامرانی
*

روز دیگر که دلم جانب شه راهی شد بوسه گاه لب من خاک ره شاهی شد
جهانگیر می‌خواست مطربی بماند و همراه وی به کشمیر برود، اما مطربی عذر خواست و در آخر ملاقات غزل ذیل را تقدیم نمود:

دل می‌کشد به سوی وطن باز مطربی رخصت ز بادشاه جهانگیر اکبر است
و به وطن خود برگشت.

مطربی از شعرای بزرگ عصر خود بود، اما متأسفانه دیوان وی مرتب نگردیده است. وی در همهٔ اصناف شعر سروده و نمونه‌های ابیات وی در مقدمه و پیشگفتار نقل گردیده است. اکنون بعضی از ابیات او در اینجا نقل می‌گردد:

چون در نظرم روی تو نبود به چمنها آتش بکنم در همه گلها و سمنها
*

غم من کسی شناسد که دل فگار دارد جگر هزار لخت و غم بی‌شمار دارد
اثر سوّم مطربی، «خاطرات» اوست.

در تذکره مطربی، از میان شاعران هند، از فیضی دکنی^۱ خیلی تجلیل شده و به تفصیل درباره وی نوشته شده است و معلوم می‌شود که رابطه وی با دانشمندان آسیای مرکزی چطور بوده است.

”فیضی... مجمع الفضایل و الکملات و منبع العز و السعادات... است... خمیر مهر ضوء قمر پرتوش، کشاف کنوز حقایق و حلال رموز دقایق می‌نمود، و در فن اشعار، به غایت ذوفنون بوده... این فقیر دیوان ابیات او را تمام کتابت کرده، به غایت اشعار جانفزا و معانی دلگشا، مطالعه نمود، و از صنایع مشکله شعری، قصیده‌ای بی‌نقط در آنجا ظاهر شد.

”به حضرت مخدومی حسن خواجه نثاری^۲، غایبانه طریق محبت را پیموده، از ولایت هند ابواب مراسلات گشوده، سوغاتهای گرانمند می‌فرستاد و در مرسله‌ای از گفتار لطیف خود، تقریباً ابیات می‌نوشت. فقیر در بخارا بودم، نوبتی مکتوبی فرستاد. بر اوّل آن مکتوب همچنین نوشته بود که:

ای دل برآ ز شهپر شوق و گذار خط کفر محبت است نوشتن بیار خط
و در ظهر مکتوب، این بیت را مرقوم ساخته بود که:

رسانند این رقعۀ دردمندی به دست حسن خواجه نقشبندی
”... و این غزل را جواب طلبیده بود:

من به راهی می‌روم کانجا قدم نامحرم است
وز مقامی حرف می‌گویم که دم نامحرم است

*

فیضی از بزم نشاط ما حریفان غافلند
هر کجا ما جام می‌گیریم جم نامحرم است

۱. ۱۰۰۳-۹۵۴ هجری/۱۵۹۵-۱۵۴۷ میلادی.

۲. ۱۰۰۵-۹۲۲ هجری/۱۵۹۷-۱۵۱۶ میلادی.

و حضرت مخدومی این غزل را جواب گفته بودند و سه بیت از آن در خاطر داشتم:

می زنی ای دل دم از جایی که دم نامحرم است
 پا منه در محفلی کانجا قدم نامحرم است
 و مطلع اوّل مکتوب را اینچنین جواب گفته بودند که مطلع:
 اسرار دل اگر نکند آشکار خط هر لحظه سوی تو بفرستم هزار خط^۱
 شعرای دیگر هند که در تذکره^۲ مطربی جاگرفته‌اند: اظهر دهلوی^۳، پیر یادی
 کشمیری، آصف خان جعفر بیگ بخشی، حیاتی گیلانی^۴، طلوعی کشمیری، عرفی
 شیرازی^۵، قلیچ محمد خان، شیری هندی، ظاهری گجراتی، لاهوری و غیره می‌باشند.

۱. ص ۹-۵۸۵.

۲. متوفی: ۱۰۴۴ هجری/۱۶۳۴ میلادی.

۳. متوفی: ۱۰۲۸ هجری/۱۶۱۹ میلادی.

۴. ۹۶۳-۹۹۹ هجری/۱۵۹۱-۱۵۵۶ میلادی.